

## دریچه

## دمش گرم و سرش خوش باد

نکاتی درباره اینکه چرا استاد شجریان یک پدیده در آواز کلاسیک ایرانی است

📄 [رامتین نظری جو- شهروند] چقدر از او نوشته‌اند و چقدر خواهند نوشت، چقدر از او حرف زده‌اند، چقدر نام او را بر زبان آورده‌اند و آورده‌ایم، چقدر جنجال بر سر صدای او داشته‌ایم و چقدر نسل‌ها با آوازش زندگی کرده‌اند و خواهند کرد، دمش گرم و سرش خوش باد.

محمدرضا شجریان را همه می‌شناسند. تقریباً کسی را نمی‌توان در این سرزمین یافت که نام او را نشنیده باشد. برای افرادی که میانه‌ای با موسیقی کلاسیک ایرانی ندارند، شجریان نامی است که از دید آنها، نمایندگی این موسیقی را می‌کند.

برای آنهایی هم که علاقه‌مند و دلبسته این موسیقی هستند، نام او نماینده خیلی چیزهاست. اینکه می‌گوییم «خیلی» بی‌سبب نیست، چراکه آواز و صدای او شب و روز خیلی‌ها را ساخت و به قولی، چه شب‌هایی را که با صدایش به آفتاب صبح تحویل ندادیم. شجریان، فارغ از تمامی حواشی اجتماعی و سیاسی پیرامونش در یک دهه گذشته، بدون هیچ اغراق و گزافه‌گویی یک پدیده در آواز کلاسیک ایرانی است. حتی مخالفانش هم، که اکثر طرفداران دیگر خواننده‌های دوره‌اش هستند، نمی‌توانند این واقعیت را کتمان کنند. شجریان زنجیره‌ای از زنجیره بلند و مستحکم آواز کلاسیک ایرانی در طول صد سال گذشته است.

آواز از راه جایی رسانده که شاید بتوان گفت در بسیاری از موارد، چیزی برای دیگران باقی نگذاشت و شاید یکی از علل رکود آواز کلاسیک ایرانی همین امر باشد.

به عبارت دیگر هیچ چیزی در آواز نبود که از قلم شجریان افتاده باشد. آوازهایی خوانند که سال‌های سال اهل هنر از شنیدنشان انگشت به دهان مانده‌اند و خواهند ماند و هنرجویان این رشته در حسرت تقلید حتی قسمتی از آنها در خلوت خود می‌سوزند.

اما پرسشی پیش خواهد آمد که او چگونه و چگونه توانسته به این جایگاه برسد؟ مگر ما خواننده و آوازخوان برجسته کم داشته‌ایم؟ مگر قمرالملوک وزیری، سیدحسین طاهرزاده، ادیب خوانساری، ظلی، تاج صفهانی، غلامحسین بنان، حسین قوامی، عبدالوهاب شهیدی و تنی دیگر، نام‌های کمی در تاریخ آواز هستند؟ در پاسخ باید گفت تمام نام‌های منگور ستاره‌ای درخشان و روشن در تاریخ موسیقی و فرهنگ این سرزمین هستند و هر کدام هم قله‌ای و به قول ملک الشعرای بهار «ترکیبی بی‌مائل». اما موفقیت شجریان رادر دومورد باید دانست: نخست آنکه او استعدادی کم‌نظیر و جهدی وافر داشته است. استعداد را خیلی‌ها داشته‌اند و دارند، اما جهد وافر را خیر. او تمام وقت در پی تمرین و پیشرفت بوده است. حرف مراکسانی که با سیر تکوین آواز ایرانی آشنایی دارند، تأیید می‌کنند. آوازهای شجریان حکایت از تمرین و پشتکار فراوان او در کنار استعداد بسیارش دارند.

کافی است آلبوم «همایون مثنوی» را بار دیگر بشنویم. این امری است که نه تنها شجریان بلکه تمام استادان قدیم و افراد ذکرشده در بالا داشته‌اند و به همین دلیل هم نام‌شان چون ستاره در آسمان آوازی می‌درخشد. اما موفقیت شجریان فقط ناشی از استعداد و تمرین‌های فراوانش نبوده است. او برای این جایگاه و فیه، یک خوشه چین به تمام معنا نیز بوده است. از خرمن هر استادی خوشه‌ها چید. تعدد استادهایی که او بخت و اقبال آن را داشت تا از آنها بیاموزد، کمتر آوازخوانی در این سرزمین داشته است. از احمدعبادی نکته‌ها آموخت.

از عبدالله دوامی ردیف آوازی و تصانیف قدیمی را آموخت. از نورعلی برومند شیوه آوازی سیدحسین طاهرزاده را آموخت. از فرامرز پایور سنتور و ردیف ابوالحسن صبارا آموخت.

مدت‌ها در «جامعه باربد» از اسماعیل مه‌رتاش آموخت. از غلامرضا دادبه (جانسوز) مطالب بسیار آموخت که در نگاه‌ها و بسیار تأثیرگذار بود.

علاوه بر اینها، شجریان تجربه اجرا و هم‌نشینی با تمام نوازندگان برجسته دست‌کم ۵۰ سال گذشته ایران را داشته و بدیهی است که از این هم‌نشینی‌ها بسیار آموخته و به کار بسته است. اینکه می‌گوییم «تمام» نوازندگان برجسته واقعیتی است. او اجراهای بسیاری، چه رسمی و چه خصوصی با احمدعبادی، لطف‌الله مجد، حسن کسایی، جلیل شهناز، فرامرز پایور، رضا ورزنده، محمد موسوی، اصغر بهاری، علی تجویدی، پرویز یاحقی، حبیب‌الله بدیعی، منصور صارمی، فرهنگ شریف، هوشنگ ظریف، رحمت‌الله بدیعی، جواد معروفی، حسن ناهید، محمود تبریزی‌زاده، غلامحسین بیگجه‌خانی، محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان، داریوش طلایی، کیهان کلهر و بسیاری دیگر داشته است. از این نظر هم می‌توان گفت هیچ خواننده‌ای با چنین طیف وسیعی از نوازندگان برجسته (چه بسا نوازندگانی که بسیاری از آنها با یکدیگر اختلافات شدید فکری هم داشته‌اند) شانس کارکردن را نداشته است.

بدیهی است که آن استعداد کم‌نظیر در کنار آن جهد وافر و آن استادان و این همکاران، «شجریان» بسازد. علاوه بر تمامی موارد فوق، تن به چیزهایی هم نداد. چیزهایی که تن دادن به آنها با هم‌نسلان او بود. منظوم آن است که در دوره‌ای که او پا به عرصه موسیقی گذاشت، کاباره با دستمزدهای بالا، پیش بسیاری از خوانندگان از راه درست و هنری به در کرد. دریغ که بسیاری از این خوانندگان به وادی افتادند که نتوانستند ظرفیت اصلی خود را نشان بدهند. یعنی انتخاب‌شان چیز دیگری بود.

برای شجریان هم در آن زمانه پیوستن به این جریان کاری بسیار آسان بود، چه بسا پیشنهادهایی هم به او در این زمینه شده بود، اما قبول نکرد و نرفت و اینجاست که او هوش هنری خود را نشان داد.

هوشی که ناشی از انتخابش بود. انتخاب‌هایی که هنرمندرامی سازند. انتخاب‌هایی که قضاوت‌آیندگان بر مبنای آنها شکل می‌گیرد.

شجریان به عنوان یک چهره موسیقایی و نیز یک انسان، بدون ایراد هم نبود. او هم مانند بسیاری از هنرمندان اشتباه‌هایی را در زندگی هنری خود داشت. اشتباه‌هایی که اکنون فرصت پرداختن به آنها نیست. اما کارنامه هنری او و آوازه‌های درخشان وی نظری که خواننده، کم‌نیستند و از قضا بسیار، گواه جایگاه یگانه و انکارنشده‌ی او در تاریخ موسیقی این سرزمین هستند. جایگاهی که دست‌نیافتنی است و منحصر به او است. استاد شجریان هفدهم مهرماه ۱۳۹۹، میان مارت. او دیگر صرفاً به صورت فیزیکی در میان ما نیست و کیست که نداند که او همیشه در میان همه ایرانیان بوده و هست و خواهد بود. چه اقبال و سعادت‌ی بیش از این برای او که همواره هست. دمش گرم و سرش خوش باد.



## محمدرضا شجریان در توس در جوار فردوسی آرام گرفت

## زمنزه مرغ سحر در بدرقه آفتاب

📄 [پولاد امین] و بالاخره سفر هشتاد ساله زنده‌یاد محمدرضا شجریان به پایان رسید و استاد در جوار آرامگاه فردوسی آرام گرفت. سفری بی‌نهایت زیبا که در اوج تمام شد. در مراسمی که تا ساعات آخر معلوم نبود در چه زمانی - و حتی کجا - برگزار خواهد شد. گفته می‌شود دشواری رعایت پروتکل‌های بهداشتی برای شمار زیادی از علاقه‌مندان استاد که انتظار می‌رفت در مراسم حضور پیدا کنند، دلیل این سرگردانی بوده است.

## احترام در شرایط کرونا

آیین خاکسپاری محمدرضا شجریان در جوار آرامگاه فردوسی، در میان جمعیت کثیری از علاقه‌مندان، با حضور شمار زیادی از هنرمندان و اهالی موسیقی برگزار شد. تعدادی از هنرمندان و پیشکسوتان عرصه موسیقی از جمله حمیدرضا نوربخش، سالار عقیلی، نیما جوان، پوریا اخوای، وحید تاج، زکریا یوسفی، نیلوفر محبی، علی ثابت‌نیا، علی عابدی، حسین علیشاپور، حسین پرنیا، فاضل جمشیدی، کیوان ساکت و... در مراسم تشییع حضور داشتند. حامد بهداد، سحر دولتشاهی، علی سربای، تهمورس پورناظری، سهراب پورناظری، داریوش پیرنیاکان و آوا مشکاتیان از دیگر چهره‌های هنری حاضر در این مراسم بودند. از وزارت ارشاد نیز محمدمجتبی حسینی معاون هنری وزیر ارشاد و محمد الهیاری مدیرکل دفتر موسیقی در مراسم حضور داشتند. در شرایطی که به گزارش خبرگزاری‌ها جمعیت زیاد حاضران رعایت پروتکل‌های بهداشتی را غیرممکن کرده بود و جانمایی صندلی‌ها برای استقرار مدعوین با رعایت فاصله اجتماعی نیز تأثیری در مدیریت این شرایط نداشت.

## تغییرات پی‌درپی

مراسم آیین تشییع و خاکسپاری استاد محمدرضا شجریان که ابتدا قرار بود در روز جمعه برگزار شود اما بعد از برگزاری مراسم غسل و نماز میت در بهشت زهرا و همزمان با انتقال پیکر شجریان به مشهد اعلام شد که به روز شنبه موکول شده است، پر از اتفاقات ناگهانی بود؛ از تغییر زمان خاکسپاری تا تغییر محل خاکسپاری. این تغییرات موجب حواشی زیادی شد و مراسمی که می‌توانست با نظمی درخور برگزار شود، مالا مال از حاشیه شد. این مراسم از ساعت ۸ صبح آغاز و پیکر مرحوم شجریان، اسطوره موسیقی و آواز ایران در ساعت ۹ صبح پس از وداع خانواده با پدر، بردوش خانواده و دوستان تشییع و در آرامگاه ابدی خود در کنار موزه آرامگاه فردوسی مشهد به خاک سپرده شد.

## دور از اخوان

خبرگزاری مهر با انتشار تصویری که روز گذشته از مکان خاکسپاری محمدرضا شجریان در جوار اخوان ثالث منتشر شده بود، از تغییر مکان خاکسپاری استاد نوشت: «با آنکه تا دیروز و بنا بر هماهنگی با خانواده شجریان قرار بر تدفین این هنرمند در جوار مقبره اخوان ثالث بود، صبح امروز جانمایی متفاوتی برای محل برگزاری مراسم و تدفین در محوطه توس در نظر گرفته شده که نشان از تغییر مکان خاکسپاری دارد.»

هنوز خانواده شجریان و مسئولان برگزاری مراسم درباره تغییر در زمان و مکان خاکسپاری توضیحی ندادند، اما گفته می‌شود که این تغییرات نتیجه مذاکرات مسئولان و خانواده شجریان است.

## یاد استاد

دوستاناران استاد که از روز گذشته در انتظار ورود پیکر شجریان و برگزاری مراسم خاکسپاری در جوار فردوسی بودند، ساعت‌ها پیش از آغاز رسمی مراسم خاکسپاری در آرامگاه فردوسی حاضر شده و با همخوانی گاه به گاه قطعات به یادماندنی شجریان یاد استاد را گرمی داشتند. این همخوانی اما پس از خاکسپاری و همزمان با زمنزه «مرغ سحر» همایون شجریان به اوج رسید. در لحظه خاکسپاری نیز پخش آوای «ربنا» از بلندگوهای مستقر در محوطه توس اشک به چشمان بسیاری از حضار آورد.

ثبت روز تولد استاد به نام «روز ملی موسیقی» در تقویم رسمی کشور از دیگر لحظاتی بود که باعث عکس‌العمل مثبت علاقه‌مندان شجریان شد - که اغلب پشت درهای محوطه توس مانده و شاهد حضور میهمانان ویژه، چهره‌ها و مسئولان فرهنگی و هنری در محل تدفین بودند.

## بوسه بر دستان مردم

در پایان مراسم، همایون شجریان به حاضران مراسم گفت که آرامش و اعتبار خود را از مردم می‌گیریم؛ «هزاردستان موسیقی ایران را به خاک سپردیم و به این مصرع شعر اشاره می‌کنم «به نام خداوند جان و خرد»، همان‌طور که خرد خرد خدایی است، جان هم، خدایی است. ما آرامش و اعتبار خود را از شما مردم می‌گیریم، باعث همه صبر و شکیبایی ما شما هستید و از همه تشکر می‌کنم که با همه سختی‌های موجود در مراسم تشییع و تدفین استاد شجریان شرکت کردید. اگر این امکان وجود داشت، میلیون‌ها نفر از شما عزیزان می‌توانستند در این مراسم شرکت کنند، من به دستان شما بوسه می‌زنم.»

## فراتر از آواز

مدیرعامل خانه موسیقی در مراسم تشییع و خاکسپاری شجریان، او را «فراتر از آواز و هنر ایران» نامید. حمیدرضا نوربخش گفت: «در خصوص شجریان چه می‌توان گفت؛ زیرا همه او را به خوبی می‌شناسند. ایشان فراتر از آواز و هنر ایران بود و بر تارک تاریخ ایران خواهد ایستاد. کمتر هنرمند و شخصیتی را در تاریخ می‌توان در کنار استاد شجریان نهاد که این‌گونه یک ملت را با خود همراه کند. استاد برکات فراوانی داشت. با رفتن شجریان یک ملت همدل شدند. شجریان از ایران هم فراتر بود و به تمام فارسی‌زبانان تعلق داشت.» مدیرعامل خانه موسیقی همچنین پیشنهاد کرد تا روز اول مهر که روز تولد استاد شجریان است، به نام ایشان نام‌گذاری شود.

## او آفتاب بود

داریوش پیرنیاکان، نوازنده تار و سه‌تار نیز گفت: «ابعاد موسیقایی شجریان به مانند آفتاب است. این آفتاب می‌تابد و همه جا را روشن می‌کند، موسیقی استاد شجریان نیز همین‌گونه است و جای گفت‌وگو ندارد؛ من سالیان سال با این بزرگ بوده و در چندین سال، ماه‌های زیادی را با او زندگی کرده‌ام و تمام ابعاد وجودی این مرد بزرگ را از نزدیک می‌شناسم و شاهد آنها بوده‌ام. دیروز همایون عزیز در تهران گفت هر کس که می‌آید یک پیامی دارد و باید مردم زمانه آن پیام را دریافت کنند، خرد در نزد ایرانیان با خردی که ناسیونالیست‌ها در دنیا مطرح کردند، متفاوت است. ناسیونالیست‌ها خرد را با عقل یکی گرفته‌اند اما در فرهنگ باستانی ما خرد ترازوی نیک و بد است، خرد گوهری است در روان آدمی که در همه عالمیان این موجود است که با تربیت ایرانی این مورد بسیار بارورتر می‌شود. زمانی که به زندگی شجریان از ابتدا تا انتها نگاهی می‌اندازیم، می‌بینیم که تمامی کارهایش براساس خرد و خردورزی بوده است. در واقع شجریان همه چیزش با خرد بود، با خردش حرکت کرد و پیامی که به موسیقیدانانی که پس از او حضور دارند، رساند این بود که خردتان را توانا کنید و براساس خرد خود حرکت کنید، آنجاست که نخواهید لرزید.»

پیرنیاکان علاوه بر تأکید بر پیشنهاد روز ملی موسیقی، گفت که «در شورای عالی خانه موسیقی این موضوع را باید به تصویب برسانیم که پس از این حتما در بزرگداشت‌هایی که برای هنرمندان گرفته می‌شود، باید تندیس شجریان را به عنوان هدیه به آلبوم‌ها و کتاب‌هایی که منتخب می‌شوند، ارایه کنیم. مانند جشنواره‌های سینمایی که تندیس بلورین دارند ما نیز باید تندیس شجریان داشته باشیم.»

و حرف آخر پیرنیاکان: «زمانی که در کشورهای بزرگ خواننده‌ای به این عظمت از دنیا می‌رود عزای عمومی اعلام می‌کنند، چرا برای فوت شجریان عزای عمومی اعلام نکردند؟ باید برای شجریان عزای عمومی اعلام می‌شد؛ زیرا شجریان متعلق به تمام مردم ایران و دیاست.»